

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

مقدمه هفتم: علائم حقیقت و مجاز

مرحوم آخوند (ره) در مقدمه هفتم بحث علائم حقیقت و مجاز را مطرح نموده‌اند؛ به این بیان که باید دید چه چیز سبب می‌شود یک معنا برای لفظ معنای حقیقی یا مجازی باشد.

این بحث طبق مبنای مشهور در تعریف مجاز که می‌گویند مجاز استعمال فی غیر ما وضع است مطرح می‌شود. اما طبق مبنای سکاکی و مرحوم اصفهانی (ره) این بحث معنا ندارد.

شاید این اشکال به ذهن بیاید که مسئله محل بحث طبق مبنای مشهور نیز برای فقیه بی فایده است؛ چون فقیه درصدد کشف ظهورات الفاظ قرآن یا روایات است، خواه آن معنا معنای حقیقی و یا مجازی باشد. پس فقیه در پی تشخیص معنای مجازی و حقیقی نیست و این بحث اثری برای او ندارد.

خصوصاً اگر اصالة الحقیقه را اصل تعبدی عقلانی ندانسته و بگوئیم این اصل یکی از فروع اصالة الظهور است پس فقیه تنها باید از حیث صغری ببیند لفظ در چه چیزی ظهور دارد و کبری که اصالة الظهور است را در آن پیاده نماید.

بله اگر اصالة الحقیقه اصلی مستقل از اصالة الظهور باشد، مجال برای این بحث باقی خواهد ماند. چون برای عمل به این اصل لازم است معنای حقیقی را از مجازی تشخیص بدهیم و بگوئیم اصل اولی در بین عقلا این است که متکلم معنای حقیقی را اراده کرده باشد.

ثمرات مقدمه هفتم

بر این بحث سه ثمره مهم مترتب است:

ثمره اول: در باب معاملات مرحوم محقق (ره) در شرایع ادعای اجماع دارد که متکلم باید از معانی حقیقیه استفاده نماید و در نتیجه با ذکر لفظ و اراده معنای مجازی معامله محقق نمی‌شود. بر فرض پذیرش این اجماع در معاملات باید راهی برای تشخیص حقیقی یا مجازی بودن الفاظ داشته باشیم.

ثمره دوم: در بحث مدعی و منکر، مدعی شخصی است که قول وی مخالف با اصل اعم از اصل لفظی و اصل عملی و منکر شخصی است که قول وی مطابق با اصل باشد.

در موارد اختلاف اگر قول یک طرف مطابق با اصالة الحقیقه و قول طرف مقابل مخالف با اصالة الحقیقه است، با روشن شدن معنای حقیقی و مجازی مشخص شود که کدام مدعی و کدام منکر است.

ثمره سوم: در تعارض اصل - اعم از اصل لفظی و عملی - و ظاهر این بحث وجود دارد که اصل بر ظاهر اصل مقدم است یا بالعکس؟!

اگر مشخص شود که ظاهر حال متکلم اراده معنای مجازی است که به همان عمل می‌شود. اما به این جهت که اصل، اصالة الحقیقه است باید میان معنای حقیقی و مجازی تفکیک نموده تا یک طرف را اصل قرار بگیرد و بتواند با طرف دیگر که ظاهر است تعارض نماید.

علامت اول: تنصیص ارکان اهل لغت

برخی می‌گویند: تنصیص اهل لغت یعنی ائمه و ارکان لغویین به این مطلب که فلان معنا برای این لفظ معنای حقیقی و معنای دیگر معنا مجازی است، می‌تواند راهی برای تشخیص معنای حقیقی از مجازی باشد؛ چون از قول این‌ها می‌توان به اطمینان رسید.

در مقابل مرحوم آخوند (ره) و برخی دیگر می‌فرمایند: از آن‌جا که قول لغوی حجّیت ندارد، تصریح او به وجود معنای حقیقی یا مجازی برای فلان لفظ فایده ندارد و لذا از این علامت بحث ننموده‌اند.

تا اینجا واضح است که باید میان ائمه اهل لغت و سایر لغویین فرق قائل شد چون بسیاری از کتب لغت مانند کتاب المنجد تنها موارد استعمال لفظ را ذکر نموده‌اند، اما در مقام تفکیک میان معنای حقیقی و مجازی نیستند.

در مقابل برخی کتب لغت مانند مقایس اللغة میان معنای حقیقی و مجازی تفکیک نموده‌اند. اما در هر صورت معیار تنصیص بزرگان اهل لغت مانند فراهیدی در کتاب العین است.

برای این علامت دو شرط ذکر شده است:

شرط اول: امام لغوی نافی مجاز نباشد. صاحب کتاب تاج العروس در مقدمه‌ی کتاب می‌گوید: بعضی لغویین وجود مجاز در استعمالات عرب را منکر می‌باشند.^[1] لذا بحث از تفاوت میان حقیقت و مجاز نیز امری بی فایده است.

شرط دوم: امام لغوی استعمال را اعم از حقیقت و مجاز بداند نه این‌که استعمال را علامت حقیقت بداند. پس اگر وی هر استعمالی را علامت برای حقیقت بداند نمی‌توانیم به قولش عمل نمائیم.

اگر بحث حصول اطمینان از قول لغوی را کنار گذاشته و بگوئیم از قول آن‌ها برای ما ظن حاصل می‌شود، طبق مبنائی که ما در حجیت عقلائی ظن در باب موضوعات داریم، باز هم می‌توان قول لغوی را معیار قرار داده و مطابق آن عمل نمود.

البته طبق این مبنا دایره قول لغوی از امام لغوی وسیع‌تر خواهد شد و شامل غیر امام لغوی نیز می‌شود. نسبت به ائمه اهل لغت ظن بسیار راحت محقق می‌شود؛ مثلاً زمانی‌که خلیل معنائی را به عنوان معنای حقیقی یک لفظ ذکر می‌کند، نه تنها سبب حصول ظن می‌شود بلکه اطمینان نیز حاصل خواهد شد.

مرحوم آخوند (ره) می‌فرماید: هر چند تبادر می‌تواند یکی از علائم حقیقت باشد، اما به این معنا نیست که عدم تبادر علامت برای مجاز باشد.

تبادر در لغت طبق نظر مشهور به معنای مبادرت و سبقت جستن است؛ مثلاً اگر لفظ دارای احتمالاتی باشد، در هنگام استعمال لفظ مشاهده می‌شود یکی از معانی بدون قرینه زودتر به ذهن می‌رسد.

از عبارات مرحوم امام (ره) چنین استفاده می‌شود که ایشان در تبادر سبقت را لازم ندانسته و می‌فرماید: تبادر یعنی لفظی بالذات ظهور در معنایی خاص داشته باشد، اعم از این‌که معانی دیگری در میان باشد تا معنای مذکور از آن‌ها سبقت بگیرد یا اصلاً معنای دیگری در کار نباشد.

و صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1] □ «قال ابن برهان: وقال الأستاذ أبو إسحاق الإسفراييني: لا مجاز في لغة العرب. وحكى التاج السُّبُكِيُّ عن خطِّ الشيخ تقيِّ الدين بن الصَّلَّاح أنَّ أبا القاسم بن كج حكي عن أبي عليِّ الفارسيِّ إنكارَ المجاز، فقال إمام الحرمين في التلخيص، و الغزاليُّ في المنحول: لا يصحُّ عن الأستاذ هذا القولُ، و أما عن الفارسيِّ فإنَّ الإمامَ أبا الفتح بنَ جَنِّي تلميذَ الفارسيِّ، و هو أعلمُ الناسِ بِمذهبه، و لم يحك عنه ذلك، بل حكى عنه ما يدلُّ على إثباته...» تاج العروس من جواهر القاموس، ج 1، ص: 59.